

# از کاپ تا کیپ

سفر به آخر دنیا

رضا پاکروان

ترجمه

شهلا طهماسبی

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران - ۱۳۹۷

## فهرست

درباره نویسنده ۷

### بخش اول: شروع

- فصل ۱: پل لندن دارد می ریزد ۱۵  
فصل ۲: ظهور ۲۶  
فصل ۳: سقوط ۳۸

### بخش دوم: مرحله اول

- نقشه مرحله اول ۵۲  
فصل ۴: این خودش است ۵۳  
فصل ۵: شب رو ۷۱  
فصل ۶: احتمال در دسر در پیش رو ۸۶  
فصل ۷: ذن و هنر پنچرگیری ۱۰۲  
فصل ۸: داغستان ۱۲۷  
فصل ۹: یک چهارم دور دنیا ۱۵۰  
فصل ۱۰: وطن ۱۶۰  
فصل ۱۱: زمین هنوز می چرخد ۱۸۳

بخش سوم: مرحله دوم

۲۰۰	نقشه مرحله دوم
۲۰۱	فصل ۱۲: بالا در هوا
۲۱۷	فصل ۱۳: ژنرال
۲۳۷	فصل ۱۴: «تو تازه واردی»
۲۵۳	فصل ۱۵: در [صحرای] نوبی
۲۶۴	فصل ۱۶: بابونها و دزدها
۲۸۴	فصل ۱۷: از خط خارج شده
۲۹۵	فصل ۱۸: بدترین جاده عالم
۳۱۰	فصل ۱۹: به سوی راه آسفالته
۳۲۶	فصل ۲۰: تب نوبه
۳۳۸	فصل ۲۱: شماره ده
۳۶۰	فصل ۲۲: همین راه را بگیر و برو
۳۷۷	فصل ۲۳: حیات وحش
۳۹۱	فصل ۲۴: این پایان راه است دوست نازنین
۴۰۷	سخن آخر: آغاز دوباره
۴۱۲	سپاسگزاری

## پل لندن دارد می‌ریزد<sup>۱</sup>

مکاشفه در ساعت ۸:۴۵ صبح یک روز سرد در ماه نوامبر رخ داد. من روی پل لندن زیر ابری غلیظ که بالای سرم خیمه زده بود، از حرکت باز ایستادم.

مردی از پشت به من خورد. چند نفر از دو طرف بهم تنه زدند، شانه‌ها و بازوها به هم پیوستند و مرا هل دادند و از جا جهاندند و با غرولند و شکایت، هماهنگ به طرف نرده‌ها راندند. من دیواره بتونی را چسبیدم، پاهایم را به زمین فشار دادم و تبدیل به شیئی ساکن و بی‌حرکت شدم. موج مسافران هرروزه با ریتمی همیشگی پیرامون من به حرکت درآمد بی‌آنکه با من تماس پیدا کند، گویی یک سرپوش نامریی و غیرقابل نفوذ بین من و آنها حائل شده بود. فاصله‌ای فیزیکی که در مقابل کسانی که اعتمادی بهشان نداریم، ایجاد می‌کنیم. من دیگر روی این پل قابل اعتماد نبودم. قوانین را

۱. London bridge [is] falling down، یک شعر کودکانی انگلیسی بسیار قدیمی.